

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE TIMES OF ISRAEL

انقباض ۳/۵ درصدی اقتصاد اسرائیل در جنگ با ایران

اقتصاد اسرائیل در بازه سه‌ماهه آوریل-ژوئن منقبض شد و تولید ناخالص داخلی ۲/۵ درصد کاهش یافت. این در شرایطی رخ داد که جنگ با ایران منجر به تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها شد و به هزینه‌کرد مصرف‌کننده‌ها، صادرات و سرمایه‌گذاری آسیب زد. این را تخمین اولیه اداره مرکزی آمار اسرائیل می‌گوید. بعد از سه‌ماهه آخر سال ۲۰۲۳، این اولین سه‌ماهه رشد منفی اقتصادی است. آن زمان، پس از آغاز جنگ که بار سنگینی بر دوش هزینه‌کرد مصرف‌کننده، تجارت و سرمایه‌گذاری گذاشت، اقتصاد ۲۰/۸ درصد سقوط کرد.

اسرائیل، ۱۳ ژوئن کارزاری غافلگیرانه علیه ایران کلید زد. این جنگ ۱۲ روزه که در همان ماه با آتش‌بس به پایان رسید، به اقتصاد آسیب زد و صنایع کلیدی را دچار اختلال کرد. حریم هوایی اسرائیل عمدتاً بسته ماند و هزاران کارگر به عنوان نیروهای ذخیره به خدمت نظامی فراخوانده شدند. این هم بر افراد و هم بر کسب‌وکارها اثر گذاشت. رگبارهای موشک بالستیک باعث می‌شد شهروندان با سرعت در رفت‌وآمد به پناهگاه‌ها باشند. این رگبارها به صدها ساختمان آسیب زد و منجر به تعطیلی تمام یا بخشی از کسب‌وکارها و تجارت محلی در این بازه شد.

رونن مناخیم، استراتژیک ارشد بازار در بانک میزراهی تفاهت می‌گوید، این داده‌های اولیه اقتصادی بازتابی است از پیامدهای جنگ ایران، هم بر فعالیت کسب‌وکارها و هم بر هزینه‌کرد مصرف‌کننده‌ها. اداره آمار می‌گوید، بیشتر این روند نزولی در تولید ناخالص داخلی در بازه آوریل تا ژوئن، ناشی از کاهش تولیدات بخش کسب‌وکار بود که ۶/۲ درصد کاهش یافت. هزینه‌کرد مصرف‌کننده‌ها ۴/۱ درصد کاهش یافت و صادرات کالاها و خدمات، بدون در نظر گرفتن بخش استارت‌آپ‌ها و بخش تجارت الماس، ۳/۵ درصد کاهش یافتند. هزینه‌کرد دولتی ۱ درصد کاهش یافت.

مناخیم ادامه می‌دهد: «جنگ ۱۲ روزه با ایران بر هزینه‌کرد خانوارها اثر گذاشت و نرخ بهره بالا و تقویت ارزش شیکل هم برای اقتصاد چالش ایجاد کردند. لاقلاً یک تا دو دوره سه‌ماهه طول خواهد کشید تا اثر جنگ ایران از روند داده‌ها «پاکسازی» شود.» مناخیم اشاره می‌کند، عنصری که بیشترین حساسیت را به تنش‌های امنیتی دارد، یعنی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، عمدتاً ساختمان‌های مسکونی، شدیدترین ضربه را با ۱۲/۳ درصد کاهش ثبت کرد.

سال گذشته اقتصاد اسرائیل حدود ۱ درصد رشد داشت که از آمار رشد ۱/۸ درصدی سال ۲۰۲۳ و ۶/۳ درصدی در سال ۲۰۲۲، پیش از درگیری‌ها، کمتر شده بود. در ۲۲ ماه گذشته، اسرائیل با طولانی‌ترین و شدیدترین جنگ تاریخیش مواجه شده، هم در درگیری با حماس و هم در درگیری نظامی با ایران و دیگر گروه‌های نیابتی در منطقه. این درگیری چندجبهه‌ای تا اینجای کار، حدود ۳۰۰ میلیارد شیکل، معادل ۸۸/۷ میلیارد دلار هزینه داشته است. این عدد، استقرار دولتی و بار بدهی دولت را دچار جهش کرده است.

بانک اسرائیل، پیش‌بینی‌های مربوط به رشد خود را بازبینی کرده است، با ۲/۳ درصد رشد تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۲۵ و ۴/۶ درصد در سال ۲۰۲۶. پیشتر در همین ماه، وزارت دارایی، پیش‌بینی رشد اقتصادی سال ۲۰۲۵ خود را از ۲/۶ درصد به ۳/۱ درصد کاهش داد. این اقدام با این فرض انجام شد که شدت درگیری در غزه صرفاً تا پایان سپتامبر ادامه خواهد داشت. پیش‌بینی‌های رشد هزینه‌های بالقوه مربوط به برنامه تأییدشده تصرف شهر غزه، به عنوان منطقه‌ای باتراکم جمعیت بالا را در نظر نگرفته‌اند.

مناخیم انتظار دارد بخش زیادی از این کاهش سرعت رشد اقتصادی، برگردد و مسیر اصلاح شود اما هشدار می‌دهد که همچنان درباره سرعت احیای اقتصادی عدم اطمینان بسیاری وجود دارد: «روند احیای اقتصادی تدریجی خواهد بود و تا حد زیادی بستگی به محیط سیاسی و امنیتی حول اقتصاد در ادامه راه خواهد داشت. این البته نیازمند سیاست پولی محتاطانه‌ای خواهد بود که بر موارد تقویت‌کننده رشد اقتصادی تمرکز داشته باشد.»



اهرم‌های دیپلماتیک تهران

ایران چه چیزهایی را می‌تواند برای گرفتن امتیاز سر میز مذاکره معامله کند؟



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی بعد از نزدیک به یک ماه توقف قرار است سه‌شنبه بار دیگر در وین از سر گرفته‌شود. این مذاکرات در حالی با حضور معاونان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد که ابهام‌های زیادی در مورد مواضع ایران در مذاکرات پیش رو وجود دارد. بر اساس گزارش‌ها سه کشور اروپایی که اهرم مکانیسم اسنپ‌بک یا پس‌گشت را در اختیار دارند، پیشنهاد تمدید تعلیق ۶ قطعنامه پیشین شورای امنیت

را برای مدتی محدود مطرح کرده‌اند تا در این مدت مذاکرات میان ایران و غرب بر سر پرونده هسته‌ای به نتیجه برسد. ایران موضع میهمی در مقابل این پیشنهاد اعلام کرده‌است. براساس گزارش رسمی وزارت امور خارجه ایران از گفت‌وگوی تلفنی سیدعباس عراقچی با همتایان اروپایی و نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ایران پاسخ روشنی به پیشنهاد اروپایی‌ها برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ نداده‌است. در این گزارش آمده‌است: «وزیر امور خارجه در واکنش به تکرار ایده طرف‌های اروپایی برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ با هدف فراهم کردن زمان بیشتر برای دیپلماسی، تصریح کرد این تصمیمی است که اساساً شورای امنیت سازمان ملل متحد باید اتخاذ کند؛ و جمهوری اسلامی ایران در عین اینکه

مواضع و دیدگاه‌های اصولی خود را در این خصوص دارد، در این فرایند ورود ندارد.» علی لاریجانی، دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی، موضع روشن‌تری در این مورد گرفته و گفته‌است که ایران تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ را قبول ندارد. لاریجانی گفته‌است: «بعضی از کشورها این پیشنهاد را داده‌اند، اما ایران قائل به این نیست؛ یعنی معتقد است که این هم یک ترتیب جدیدی می‌شود که هرازگاهی بیایند بگویند خب حالا شش ماه شد، دفعه‌ی بعد یک سال بشود. ما یک توافقی داشتیم که ظرف ده سال این باید تمام می‌شد؛ دیگر بنا نیست به قول معروف جرزی کنند و دوباره به آن اضافه کنند. ایران واقعاً قائل به این نیست. البته بعضی‌ها هم در داخل گفتند خوب است که مثلاً این شش ماه را بپذیریم؛ ولی در کل، ما این را قبول نداریم.»

در هر حال ایران در شرایطی قرار است فردا وارد مذاکره با طرف‌های اروپایی شود که کمتر از یک هفته به پایان ضرب‌الاجل اروپایی‌ها در مورد فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک باقی مانده‌است. اروپایی‌ها تأکید کرده‌اند که اگر تا پایان ماه اوت پیشرفت ملموسی در مذاکرات هسته‌ای حاصل نشود، مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. با این حال همچنان این پیشنهاد وجود دارد که مکانیسم ماشه با تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تمدید مهلت قطعنامه



عکس: Reuters

نیاز به راهبرد جدید در سیاست خارجی

نتوانستند بکنند، چه برسد به زمانی که مکانیسم ماشه فعال شود. از طرف دیگر مسائل منطقه‌ای هم نقطه اختلاف مهمی میان ایران و جهان هستند. هم کشورهای عرب منطقه با هدف حفظ ثبات منطقه خواهان حل و فصل مسائل منطقه‌ای با طرفیت ایران هستند و هم اسرائیل با قدرت نفوذ بالا در غرب، یکی از طرف‌های مدعی است. نمی‌توان با صرف اینکه سیاست اعلانی ما این باشد که ما در امور کشورهای دیگر دخالت نمی‌کنیم، بتوانیم قضیه را رفع و رجوع کنیم و در عین حال تمامی ساز و کارهای معطوف به منطقه را درون کشور حفظ کنیم. مشخص است که طرف‌های مقابل وقتی گام عملی و ملموسی از سوی ما نبینند، ادعای ما را نمی‌پذیرند.

در مورد مسائل موشکی هم مسئله این است که توان موشکی ایران می‌تواند به اسرائیل آسیب برساند. البته اروپایی‌ها این ادعا را مطرح می‌کنند که موشک‌های ایرانی می‌تواند اروپا را نیز هدف قرار دهند. اینها به صورت خودکار مزید بر علت در اختلاف‌ها می‌شوند. هدف اساسی غرب در مواجهه با ایران این است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت یا State به مجاری عادی بین‌المللی بازگردد و وضعیت آن نرمال شود. هدف این است که ایران وارد داد و ستد با دیگر بازیگران شود، منطق قدرت حاکم بر نظم جاری جهانی را بپذیرد، خوی معامله‌گری داشته‌باشد و بر طبل تقابل نکوبد. با این مختصات فعلی این اهداف قابل دستیابی نیست.

برای حل و فصل تمامی این مسائل باقی‌مانده نیاز به یک خانه‌تکانی وجود دارد. سیاست‌های خارجی باید اولویت‌گذاری شوند و به جای جهت‌گیری تقابلی و سلمی، جهت‌گیری تعاملی و ایجابی پیدا کنند. ایران باید پاره‌ای از تحفظات خود را در نظام بین‌المللی شفاف کند. نسبت به منطقه موضع روشنی داشته‌باشد. منطقی که من می‌گویم هم در سطح دولت (State) و روابط

واضح خواسته‌هایش را برای طرف ایرانی بیان کرده‌است، آنها غنی‌سازی صفر می‌خواهند و آن هم نه از طریق وعده و وعید و تعلیق موقت، بلکه از طریق یک توافق مستحکم که ایران متعهد شود که تلاش‌های دولت آمریکا از جمله فشار حداکثری و جنگ را به صورت نقد در بیاورد. برای این خواسته طرف مقابل ابزارهای متعددی در اختیار دارد. برای مثال سه کشور اروپایی مکانیسم ماشه را در اختیار دارند که فعال‌سازی آن می‌تواند شوک بزرگی به اعتبار بین‌المللی کشور وارد کند و وضعیت اقتصادی را دچار اختلال بیشتر کند و تحریم‌ها و انزوای سیاسی را تشدید کند. علاوه بر آنچه ذکر شد، اساساً به سود کشور نیست که شرایط را همچنان در تعلیق نگه داریم. وقتی تکلیف یک موضوع روشن نشود، سایه آن موضوع همچنان بر گستره همه فعالیت‌های کشور باقی خواهد ماند، بنابراین نمی‌شود به شکل کج‌دار و مرز از وضعیتی که در آن گرفتار شده‌ایم خارج شد. تهران اکنون در شرایطی قرار گرفته‌است که باید تکلیف پاره‌ای از موضوع‌های سیاست خارجی را روشن کند. در حال حاضر باید پرونده هسته‌ای به شکل عام حل و فصل شود. برای مثال پیشنهادهایی مانند تعلیق غنی‌سازی یا کنسرسیوم غنی‌سازی منطقه‌ای نمی‌تواند به شکل بنیادین پرونده هسته‌ای ایران را حل و فصل کند. برای مثال در گزینه کنسرسیوم، ابعاد مسئله بسیار مجهول است. اینکه در چه سطحی غنی‌سازی انجام شود، کجا انجام شود، برای چه مصارفی انجام شود و خیلی سوالات دیگر وجود دارد که هنوز به آنها پاسخ داده‌نشده‌است.

حساب باز کردن روی کشورهایی که حتی «نیمه‌دوست» هم نیستند، مانند روسیه و چین، نمی‌تواند کمکی به ایران بکند. مثلاً گفته می‌شود که روسیه و چین مخالف مکانیسم ماشه هستند؛ خب مخالف باشند! چه تأثیر عملیاتی روی فعال‌سازی مکانیسم ماشه باقی می‌گذارد؟ این دو کشور حتی زمانی که برجام جاری بود هیچ کاری

جهانبخش ایزدی

استاد روابط بین‌الملل



با تغییر مولفه‌های قبلی در پرونده هسته‌ای یک راهبرد همچنان برای ایران باقی مانده که از طریق آن می‌تواند اهداف خود را دنبال کند. این راهبرد مولفه‌هایی دارد و از جمله آنها می‌توان به ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی اشاره کرد که فقط تا حدی می‌توان با آن بازی کرد اما این مسئله هم محدودیت‌هایی دارد؛ چراکه طرف مقابل همچنان جای مانور در حوزه تحریم‌ها و انزوای سیاسی علیه ایران دارد. اگر تصور کنیم که نوعی معامله علیه ایران بین قدرت‌های جهانی شکل بگیرد، استراتژی ابهام هم کم‌اثرتر خواهد شد. بر این اساس مولفه‌های زیادی برای اعمال قدرت و نفوذ در بازی‌های دیپلماتیک در اختیار جمهوری اسلامی باقی نمانده‌است، به اضافه اینکه حکومت در داخل نیز با فشارهای مضاعف و فرسایشی مواجه است. همین روزها اگر مفاد بیانییه جبهه اصلاحات را ببینید، مشاهده می‌شود که جناح‌های درون سیستم تا چه اندازه جلوتر از فضا‌های قبلی رفته‌اند که این موضوع یک زنگ هشدار بسیار جدی برای سیستم است که ممکن است در داخل با واکنش‌های رادیکال مواجه شود. این بیانییه نمایانگر نظر بر خی جریان‌های درون نظام است، بیرون از فضای سیاسی نظام و در سطح جامعه و در خارج از کشور مواضع رادیکال‌تر و تندتر است. برخی پیشنهاد تعلیق غنی‌سازی اورانیوم مذاکرات را پیش ببرد. واقعیت این است که این موضوع بعید است بتواند دستاورد تعیین‌کننده‌ای در مذاکرات داشته‌باشد. دولت آمریکا به صورت